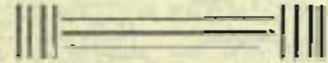


نتیجه نهائی

بحث ارتباط با ارواح



با این مقاله بحث درباره اسپریتسم و ارتباط با ارواح را به پایان می‌رسانیم و نتیجه آنرا نیز در پایان این مقاله سربصاً گفته‌ایم.

و بخواست خداوند بزرگ بجای آن ارشاد آیه‌ها بحث زنده جدیدی آغاز خواهد شد.



در میان دانشمندی که گواهی به امکان ارتباط با ارواح از طرف علم داده‌اند افراد سرشناسی پیدا می‌شود که این احتمال را لاقلاً درباره همه آباء نمی‌توان داد که افعال شده باشند و با تلقینهای دروغین افراد شیلد در آنها اثر گذاشته باشد. بخصوص اینکه بسیاری از آنها باروح بد بین، بالنگار شده، وارد مطالعه در باره این موضوع شده‌اند، و از بحث باین افکار می‌خندیده‌اند.

ولی با این حال در مساعدهات حسی، خودشباحی را دیده‌اند که به چیزی جز به اشباح ارواح قابل تفسیر نبوده‌اند، و با سداها و حرکات اشباح، بدون هیچگونه علت مادی دیده‌اند. بلکه کسی به آنها دست یزد، و خارق عادات دیگری، مشاعده کرده‌اند و پیامهای دریافت داشته‌اند. که از مجموع آنها زمین را بعضی به صحت این علم پیمان نموده‌اند.

اکنون اجازه دهید قسمتی از گواهی دانشمندان غربی را (چون نقل عقاید دانشمندان شرق شاید برای بعضی در این زمینه قانع کننده نباشد) در اینجا بیاوریم. این گواهیها از يك منبع قابل ملاحظه، یعنی دائره المعارف قرن بیستم، استخراج و اقتباس شده‌است و طبقاً از روش علمی خواهد داشت.

۱- «پینگام انتشار این عقیده (عقیده امکان ارتباط با ارواح) در میان دانشمندان اروپا عیناً از دانشمندان روس سال ۱۸۶۹ برای بحث و بررسی دقیق در پیرامون این مسئله تشکیل شده این بحث سر کپی از جان بولتو و «کروس» بزرگترین شعبی دان انگلستان در آن روز، «لويس»

فیریلوژیست معروف، «روسال والاس» مهمترین فیریلوژیست انگلستان در آن عصر و دوست نزدیک داروین، دو مرغان رئیس جمعیت ریاضی دانان آن کشور، «چارلی رئیس» کمیابیبای تلگراف، «جان کوكس» فیلسوف معروف، «اکسون» استاد دانشگاه آکسفورد، و بعضی افراد سرشناس دیگر بودند.

«نگامی» که خیرتشکیل این جمعیت انتشار یافت عده‌ای از نقاط مختلف جهان در انتظار نظریه نهائی این جمعیت دقیقه شامی می‌کردند، ولی آنها ۱۸ ماه پس در پی به بحث و کنجکاوی در پیرامون این مسئله ادامه دادند، و در جلسات ارتباط شرکت جستند، و از نزدیک پیامها، خارق عادات مزبور را بررسی و مشاهده نمودند و در پایان بیابیه مشروحی صادر کردند که قسمتی از آنرا ذیلان نظر می‌گذرانیم:

۱- «این جمعیت در تفحصات علمی خود پیرامون «مسئله ارتباط با ارواح» تتهاروی مشاهداتی که برای همه اعضای جمعیت حسی بوده، و قرائن قطعی همراه داشته است، تکبیر کردند. قابل توجه اینکه چهار پنجم اعضای جمعیت در آغاز این بررسیها شدیداً منکر این مسائل بودند و همه را ملودوم و خیال، و باقلب و توویر، و بالااقل نتیجه يك سلسله حالات خطراری حسی می‌دانستند، ولی پس از مشاهده همه این حوادث، آنها در شرائط و کیفیات خاص که همه احتمالات انحرافی را نمی‌نمود، و پس از آزمایشهای دقیقی که مکرراً انجام گرفت، اتمای جمعیت چاره‌ای جز این نداشتند که اعلام کنند این خارق عادات از يك عامل مرموز، تیرا آنچه تا آن وقت پیدا نداشتند سرچشمه می‌گیرد. . . .»

۲- «امداد کروم» که ریاست عیثت علمی سلطنتی انگلستان را به عهده داشت در برابر خطراتی از اعضای عیثت مزبور به مناسبت گفتگو درباره «اسپریتسم» سربصاً اظهار کرد:

«من نمی‌گویم این موضوع امر ممکن است، بلکه می‌گویم يك واقیعت عینی

رتال جامع علوم انسانی است

و نیز نامبرده، در کتابی که بنام «پدیده‌های روحی» نگاشته و دهها بار تجدید چاپ گردیده است می‌گوید:

«از آنجا که من به وجود این پدیده‌ها ایمان دارم این بکنوع حین و ترمز ادبی است که به خاطر وحشت از انتقادات استهزاکنندگان و امثال آنها که هیچگونه اطلاعاتی در زمینه این علم ندارند و نمی‌توانند برسد اوها می‌که به آن پای بندند قضاوت کنند، نهادت خود را در مورد آثار روح کتمان نمایم، من با بیابات صراحت آنچه در این باره با چشم خود دیده، و بسا تجریبات مکرر دقیق آزموده‌ام (در این کتاب) تشریح می‌کنم. . . .»

۳ - روس والاس که در کشف قانون انتخاب طبیعی هنکار داروین بود در کتابی که به نام «شگفتیهای اسپریتسم» نگاشته، چنین می نویسد:

من مادی و ماتریالیست صرف بودم و به مذهب خود نهایت درجه ایمان داشتم. و در هیچ نقطه از فکر من محلی برای قبول مسئله روح نبود و نه برای وجود مبدء دیگری غیر از این جهان مادی و بیروهای وابسته به آن. . . ولی بالاخره دیدم. مشاهدات حس را نمی توان نادیده گرفت و آنها را کنارزد. همیشه بود که مرا مجبور ساخت قبل از هر چیز به وجود یک سلسله واقعیات تازه - پیش از آنکه بدانم اینها مربوط به ارواح هستند یا نه - بپذیرم. این مشاهدات تدریجاً محلی از فکر مرا اشغال نمود. دلی باید بگویم این مطلب هرگز مربوط به استدالات ذهنی نبود بلکه متکی به یک سلسله مشاهدات حس بود که یکی پس از دیگری تا انجام یافت تا آنجا که نتوانستم عاملی برای آنها غیر از ارواح قبول کنم. . . .



نتیجه

نظیر این گواهی ها از طرف جمیع فراوان از دانشمندان در کتابهایی که مخصوصاً در این زمینه خودشان نگاشته اند - با یوناسینتایی در کتب دیگر به آن اشاره نموده اند. دیده میشود.

و بانوجه به گواهی جمیع کثیری از دانشمندان شرقی - حادیت این دانشمندان غربی که اگر بخواهیم همرا عیناً نقل کنیم کتاب بزرگی می شود می توان قبول کرد که اسپریتسم (ارتباط با ارواح) از سر حد مسائل نظری گذشته و به صورت یک علم حس و تجربی درآمده است. و همان می کنم هر کس از دور شناخت نکند و از نزدیک بشنود این گواهیها را مورد بررسی قرار دهد همین ایمان را پیدا خواهد نمود.

بنابر این باید گفت اسپریتسم را میتوان یک واقعت علمی و تجربی میتوان پذیرفت. ولی نباید از نظر دور داشت که این مسئله در رسوء استفاده همه زیادی قرار گرفته و با افراد ساده ذهنی به خیال خود به همین سادگی. و بدون هیچگونه اطلاعات علمی بایک میر چرخان بایک استکان یک صفحه کاغذ پر از حروف الفبا با ارواح کبیر و ستیر می توانند تماس بگیرند و بدنبال آن بازی میگرد به راه افتاد. و کم کم سلسله سر از نساج و باز گفت ارواح به بدنهای جدید در آورد. و یک واقعت با هزاران او هام بهم آمیخته شد.

و پایان